

گزارش

حفره‌های توافق آمریکا– طالبان نمایان می‌شود

● وزارت دفاع ایالات متحده می‌گوید همچنان به خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان ادامه خواهد داد و انتظار می‌رود که طبق جدول زمانی تعیین‌شده با توافق طالبان به اجرا برسد. تأکید جاناتان هافمن، سخنگوی پنتاگون، بر ادامه روند خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان در حالی انجام می‌شود که در روزهای گذشته حملاتی مرک‌بار در این کشور رخ داده و توانایی نیروهای نظامی و امنیتی افغان برای تأمین امنیت افغانستان در صورت خروج نظامیان آمریکایی از این کشور با تردیدهای زیادی روبه‌رو شده است.

از طرف دیگر سخنگوی شورای امنیت ملی افغانستان می‌گوید که برنامه آزادی زندانیان طالبان فعلا متوقف شده است. براساس توافق‌نامه آمریکا و طالبان قرار بود که پنج هزار زندانی گروه طالبان و هزار زندانی افغان که در بند طالبان هستند، آزاد شوند.

جاوید فیصل، سخنگوی شورای امنیت ملی افغانستان، در یک نشست خبری در کابل گفت: تا زمانی که طالبان براساس توافق‌نامه امضا شده هزار زندانی دولت را رها نکنند و خشونت‌ها را کاهش ندهند، دولت افغانستان دیگر زندانیان طالبان را آزاد نمی‌کند.

دو حمله مرک‌بار هفته گذشته در افغانستان نقاط ضعف مهم پیمان خروج نیروها میان آمریکا و طالبان را نمایان کرد. هیچ چیز در آن، طالبان را به توقف چنین کشتارهایی ملزم نکرده است و توانایی دولت کابل برای خنثی‌سازی آنها با کاهش تعداد نیروهای آمریکایی کمتر می‌شود.

به گزارش روتیتر، این پیمان نهایتا قرار است صلح بین دولت افغانستان و طالبان را برقرار کند؛ گروهی که انجام حمله کابل را که در آن سه فرد مسلح در لباس مأمور پلیس ۲۴ نفر از جمله دو نوزاد را در یک زارشگاه کابل کشتند و یک بمب‌گذاری انتحاری در شرق این کشور را که جان ۳۲ نفر را گرفت، تکذیب کرد.

مفاد اصلی توافق ۲۹ فوریه‌که دولت افغانستان در آن دخیل نبود، شامل تعهد آمریکا به کاهش حضور نظامی در افغانستان به ۸۶۰ نفر تا اواسط جولای ۲۰۲۰ می‌شود و اگر شرایط اجازه دهد، تعداد نظامیان تا می ۲۰۲۱ به صفر کاهش می‌یابد. در ازای آن، طالبان وعده داد تا به اعضایش، دیگر اشخاص و گروه‌ها ازجمله القاعده اجازه ندهد تا از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش استفاده کنند. به لحاظ فنی، افغانستان رسماً متحد ایالات متحده نیست؛ زیرا آنها پیمان دفاع مشترک ندارند و این توافق هیچ حرفی درباره حملات به غیرنظامیان نظیر دو حمله سه‌شنبه گذشته نمی‌زند.

تام مایلنوفسکی، از مقام‌های سابق وزارت خارجه آمریکا در حوزه حقوق بشر، می‌گوید: «هیچ چیزی در توافق صلح ما با طالبان نیست که مانع آنها از کشتار افغان‌ها شود و البته از همان لحظه‌ای که ما خارج شویم، دیگر هیچ بازدارندگی عملی‌ای وجود ندارد.»

زلمی خلیلزار، نماینده ویژه آمریکا و طراح این پیمان که مورد حمایت دونالد ترامپ قرار دارد، اذعان می‌کند که این پیمان از حملات به افغان‌ها جلوگیری نمی‌کند و تأکید دارد که بهترین راه این است که طرفین مذاکرات را آغاز کنند و تلاش کنند تا زمانی که نیروهای آمریکایی آنجا هستند، با چنین حملاتی مقابله کنند. خلیل‌زار جمعه به خبرنگاران گفت: «این توافق به طور مشخص از آنها نمی‌خواهد به نیروهای افغان حمله نکنند، بااین‌حال او گفت طالبان به کاهش خشونت متعهد شد و برقراری یک آتش‌بس جزء اولین موضوعات مورد بحث در مذاکرات این افغان‌ها خواهد بود.

بررسی‌های روتیتر-نشان می‌دهد گروه طالبان مرابب بوده تا به نیروهای آمریکایی و ائتلاف حمله نکند؛ اما آنها بیش از چهارهزارو ۵۰۰ حمله در افغانستان داشته‌اند که افزایش چشمگیر سطح خشونت‌ها در ۴۵ روز اول پس از امضای این توافق به شمار می‌رود. براساس گزارش سازمان ملل، بیش از ۵۰۰ غیرنظامی در نیمه نخست ۲۰۲۰ در افغانستان کشته شدند و حتی خشونت پس از امضای این توافق دیده می‌شد.

یک دیپلمات غربی مستقر در کابل می‌گوید توافق میان آمریکا و طالبان ملمو از حفره است و درحالی‌که به‌صراحت درباره طرح خروج آمریکا و ناتو سخن می‌گوید، انتظارات اندکی از طرف طالبان دارد. این توافقی تیره‌وتار است و در آن یک طرف نیات خودش را آشکار بیان می‌کند، اما طرف دیگر هیچ تعهد جدی‌ای نمی‌دهد.

ایالات متحده آمریکا پنجشنبه گذشته شاخه داعش در افغانستان را بابت حملات مرگ‌بار اخیر در آنجا سرزنش کرد، نه طالبان را و در ادامه از افغان‌ها خواست تا روند صلح با طالبان را ادامه دهند؛ اما مقام‌های افغان این ارزیابی را رد کرده و طالبان را مقصر دانستند. آنها همچنین تأکید دارند که طالبان فضایی را ایجاد کرده است که اجازه فعالیت چنین گروه‌هایی را می‌دهد.

عاطفه مرادی: کرونا برای زمین و ساکنانش صدها

پیامد داشته است؛ هر روز صدها گزارش و مقاله هم درباره همین پیامدها نوشته می‌شود اما در دل اغلب این نوشته‌ها یک امید نانوشته وجود دارد؛ اینکه ای کاش این بار در بر پاشنه‌های قدیمی‌اش نچرخد و اتفاقاتی که بیشتر بعد از یک همه‌گیری این چنینی، جهان را درگیر کرد این بار تکرار نشود.

از همان روزهای اول که کووید-۱۹ کاسه غذایی در ووهان چین سربرآورد و جهان را به قیل و بعد از خودش تقسیم کرد، آنان که دست‌ی در تاریخ داشتند اوضاع ناشی از آن را با آنچه که بیش از ۱۰۰ سال پیش، جهان تجربه کرده بود مقایسه می‌کردند. در این نزدیک چهار ماهی که از ورود این میهمان ناخوانده به تمامی بخش‌های زندگی انسان می‌گذرد، بارها اسم «آنفلوآنزای اسپانیایی» به گوش خورده؛ آنفلوآنزایی که با ۵۰ میلیون کشته، چنین شناخته می‌شود که قربانیانش از تعداد کشته‌شدگان جنگ جهانی اول بیشتر بوده است. همه‌گیری کرونا، سؤالاتی را ایجاد کرد که بعد از تمام همه‌گیری‌های قبلی شکل گرفته اما جواب مناسبی نگرفته بود؛ اینکه این بیماری‌ها چطور قرار است زندگی اجتماعی و اقتصادی را در نقاط مختلف جهان تحت‌تأثیر قرار دهد.

۱۰۰ سال بعد از آنفلوآنزای اسپانیایی، تکرار بحرانی مشابه باعث شد تا کریستین بلیکل، اقتصاددان بانک فدرال رزرو نیویورک برای این سؤالات همیشگی دنبال پاسخی درخور بگردد؛ پاسخ‌هایی که البته مهم‌ترین آنها اصلا خوشایند نیست: همه‌گیری آنفلوآنزای اسپانیایی، زمینه روی‌کارآمدن افراط‌گرایان (نازی‌ها) را فراهم کرد. نمونه‌ای که بلیکل در این پژوهش آن را بررسی کرده، آلمان است؛ آلمان «نمونه‌ای ایدئال برای این مطالعه موردی است چرا که آنفلوآنزای اسپانیایی در آن قربانیان بسیاری گرفت و هم‌زمان اطلاعات دقیقی از مرگباری این بیماری، بودجه‌های شهری و رفتار انتخاباتی آن وجود دارد»، اطلاعاتی که بررسی آنها نشان‌دهنده افزایش شدید اقبال عمومی به افراط‌گرایان در انتخابات دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ است.

بلیکل امیدوار است این پژوهش بتواند به مطالعات درباره همه‌گیری‌ها که پس از شیوع کرونا جان تازه‌ای گرفته‌اند و تلاش می‌کنند اثرات اجتماعی و اقتصادی کووید-۱۹ را بررسی و پیش‌بینی کنند، کمک کند. بلیکل معتقد است مطالعه‌اش درباره آنفلوآنزای اسپانیایی «درسی ارزمند برای سیاست‌گذاران و دانشگاهیان» است؛ گروه‌هایی که قرار است پیامدهای کووید ۱۹ مدیریت کنند.

البته این اولین پژوهشی نیست که در آن تلاش شده با نگاهی به آنفلوآنزای اسپانیایی، دوران پس از کرونا و تأثیرات اجتماعی و سیاسی آن پیش‌بینی و تحلیل شود. سرگیو کورپرا، اقتصاددان بانک

خط‌ونشان پادشاه اردن وهشدار واشنگتن و اروپا به اسرائیل

همه علیه الحاق کرانه باختری



بن‌بست سیاسی ۵۰۰ روزه در اسرائیل امروز قرار است پایان یابد و بنیامین نتانیاهو و بنی گانتس، دو رقیب انتخاباتی، به‌طور مشترک کابینه جدید اسرائیل را تشکیل دهند. در این میان، قریب‌الوقوع بودن الحاق بخش‌هایی از کرانه

باختری به خاک اسرائیل که یکی از اصلی‌ترین و جنجالی‌ترین شعارهای انتخاباتی نتانیاهو بود، نگرانی‌های بین‌المللی را برانگیخته است. هفته گذشته مایک پمپو، وزیر خارجه آمریکا، در سفری هشت‌ساعته به اسرائیل رفت تا درباره موضوعات مختلف ازجمله این طرح الحاق با مقام‌های اسرائیلی گفت‌وگو کند. پیش از این گفته شده بود که ایالات‌متحده قصد مداخله درباره برنامه نتانیاهو برای الحاق کرانه باختری به خاک اسرائیل را ندارد اما گزارش جدید نیویورک‌تایمز حاکی از این است که وزیر خارجه آمریکا نسبت به هرگونه اقدام عجولانه دراین‌باره به نتانیاهو هشدار داده است.

به گزارش نیویورک‌تایمز، این سفر در حالی انجام شد که «در آستانه تحلیف کابینه جدید در اسرائیل اختلاف‌ها بر سر الحاق ۳۰درصد کرانه باختری در داخل و خارج اسرائیل بالا گرفته است. دولت دونالد ترامپ بر سر فرمول‌های طرح‌های الحاق با فشار گسترده رهبران عرب روبه‌رو است. باوجود اینکه پمپو از پرداخت صریح به پرونده الحاق اجتناب کرد، اما تحلیل‌گمران معتقدند هدف از این سفر هشدار به اسرائیل درباره گام شتاب‌زده در این مسیر بود. اگر دولت ترامپ به طرح معامله قرن به نتانیاهو درباره الحاق، چراغ‌سبز نشان داده بود آن احتمالاً رنگ چراغ را به زرد تغییر داده است.»

دنیس راس، دیپلمات پرسابقه و کهنه‌کار آمریکایی، می‌گوید شواهد حاکی از این است که بعد از سلسله‌مانورهای دیپلماتیکی که به‌نظر فشار بر مسئولان فلسطینی برای انجام مذاکرات جدید با اسرائیلی‌ها بوده وقفه‌ای مشخص در رویکرد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در پرداختن به بحث

جهان

آیا کرونا مانند آنفلوآنزای اسپانیایی زمینه را برای قدرت‌گیری راست‌های افراطی فراهم می‌کند

اگر نازی‌ها در راه باشند



فدرال رزرو واشنگتن هم از نمونه همه‌گیری ۱۹۱۸ (آنفلوآنزای اسپانیایی) در پژوهش اخیرش استفاده کرده تا نشان دهد، مداخلاتی که برای تأمین امنیت شهروندان از جمله اعلام قرنطینه صورت می‌گیرد، می‌تواند پیامدهای بلندمدت اقتصادی داشته باشد.

در مطالعه کورپرا نشان داده شده است، مناطقی که بهتر با همه‌گیری آنفلوآنزا مبارزه کرده بودند راحت‌تر از پس پیامدهای اقتصادی آن برآمدند.

تأثیر آنفلوآنزای اسپانیایی بر قدرت‌گیری حزب نازی

بلیکل در مطالعه‌اش فرضیه را این چنین در نظر گرفته که «میان مرگ‌ومیر ناشی از آنفلوآنزای اسپانیایی و رای بیشتر به افراط‌گرایان ارتباط معناداری وجود دارد». او در این تحقیق آلمان را به چند منطقه انتخاباتی تقسیم کرده است. یکی از نکات مهمی که او با این دسته‌بندی به آن دست یافته این است که در برخی از این مناطق به دلیل پررنگ بودن برخی نگاه‌های تاریخی گرایش به نازی‌ها پس از آنفلوآنزای اسپانیایی تقویت شده است؛ مناطقی که بر اساس مستندات تحقیق، به صورت تاریخی در مواجهه با سایر بیماری‌ها یا جمله طاعون هم بلافاصله دچار رویکردهای بیگانه‌هراسانه -به عنوان یکی از بارهای اصلی راست‌های افراطی- می‌شدند. مثلاً در برخی از مناطق کشور آلمان به دنبال شیوع طاعون در دهه ۱۳۵۰ میلادی، بسیاری یهودیان را عامل نفرینی می‌دانستند و به حذف فیزیکی یا وادارکردن آنها به ترک محل زندگیشان روی آورده بودند». به این ترتیب اقبال به نازی‌ها که یهودیان را مه‌وردالم می‌دانستند، در این مناطق که همچنان شیوع آنفلوآنزای اسپانیایی را نفرین یهودیان در نظر می‌گرفتند، امری اجتناب‌ناپذیر دانسته شده است.

آمارهای تحقیق بلیکل این فرضیه را تأیید کرده است؛ بله، در مناطقی که چنین باور تاریخی در آنجا وجود داشته و همچنین قربانیان آنفلوآنزای اسپانیایی کم‌تر بوده، گرایش به نازی‌ها هم بسیار بالاتر بوده است. این پژوهش نتیجه می‌گیرد، «مرگ‌ومیر ناشی از آنفلوآنزای اسپانیایی بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ آینه جامعه آلمان را شکل و نظام سیاسی آن را کاملاً تغییر داد». بلیکل برای توضیح رابطه معنادار میان سهم آرای افراط‌گرایان و وقایع ۱۰ سال پیش آن به بررسی مناطق انتخاباتی و مقایسه میزان گرایش هر کدام از آنها به احزاب افراط‌گرا و تعداد قربانیان آنفلوآنزا پرداخته و به این نتیجه رسیده است که «این مرگ‌ومیرها به روشنی با افزایش سهم احزاب راست افراطی و کاهش گرایش به احزاب چپ‌گرا ارتباط دارد». بلیکل این گرایش را به سرانه بودجه در این مناطق، درصد ساکنان یهودی و مسیحیان کاتولیک و تغییرات در نرخ بی‌کاری آنها پس از آنفلوآنزای اسپانیایی وابسته می‌داند.

پس از شیوع این بیماری در برخی مناطق، بودجه سرانه به شدت کاهش یافت چراکه بخش اعظمی از آن صرف بازسازی ساختار درمانی و سایر مسائل زیرساختی شد. همچنین در برخی از این مناطق، یهودیان بیش از پیش در اقلیت قرار گرفتند؛ مسئله‌ای که نگاه تاریخی درباره مسائل پیش از این همه‌گیری به بلیکل کمک کرده آن را به افزایش بیگانه‌هراسی و به تبع آن افزایش گرایش به گروه‌های راست افراطی مرتبط بداند. افزایش نرخ بی‌کاری در این مناطق هم باعث شد، شهروندان رویکردهای ملی‌گرایانه‌تر را که گمان می‌کردند بیشتر معطوف به وضعیت اقتصادی شهروندان است، پیگیری کنند؛ پیگیری‌ای که البته به نتیجه‌ای محسوس و پیروزی حزب نازی در آخرین انتخابات آزاد پیش از روی کار آمدن آنها منجر شد. این رابطه معنادار، وقتی جالب‌تر می‌شود که به نتیجه‌اش در هر منطقه انتخاباتی توجه شود. انحراف معیار در

مناطقی که تعداد قربانیان آنفلوآنزای اسپانیایی در آن بالا بوده است، بین یک تا سه درصد بوده و همین نشان‌دهنده صحت نتیجه و سنگینی سبد رای نازی‌ها پس از آنفلوآنزای اسپانیایی است.

این پژوهش برای پایین آوردن درصد خطای خود و جلوگیری از طرح انتقاداتی چون محدودبودن جامعه نمونه، در مرحله بعد آمار انتخابات ۱۹۲۲ و ۲۳ آلمان را با هم ترکیب می‌کند. این کار علاوه بر افزایش جامعه نمونه و مشاهدات این امکان را به بلیکل داده تا اثرات ناپه‌نچار ثابت انتخابات، حل و سپس فصل شود. با انجام این تغییر در جامعه نمونه، باز هم نتیجه قبلی مطالعه، مبنی بر اینکه آنفلوآنزای اسپانیایی یکی از علل اصلی روی کار آمدن نازی‌ها در دهه بعدی بوده، تأیید شده است. بلیکل علاوه بر این تأثیر مرگ‌ومیر ناشی از سل -که در قرن بیستم کم از آنفلوآنزای اسپانیایی ۱۹۱۸ نداشت- و همچنین تصادفات را برای صحت‌سنجی وارد مطالعه خود کرده و نتیجه گرفته است که «مرگ‌های دیگری غیر از مرگ‌ومیر ناشی از آنفلوآنزای اسپانیایی تأثیری بر سبد آرای نازی‌ها نداشته‌اند».

این دقیقاً بخشی از اتفاقی است که اکنون هم در جریان است. پیش از بروز کرونا و همه‌گیری آن، بسیاری از کشورهایی که از زمان جنگ جهانی دوم فرصت عرض‌اندام به گروه‌های راست‌افراطی ن داده بودند، احیای دوباره آنها در فضای سیاسی و اجتماعی را تجربه کردند. در مجارستان، فرانسه، اتریش و حتی آلمان چنین گروه‌هایی بار دیگر در فضای سیاسی حرفی برای زدن پیدا کردند.

این در حالی است که احزاب راست‌افراطی چون حزب اتحاد ملی در پارلمان اروپا حالا در قالب ائتلاف راست افراطی «هویت و دموکراسی» بخش مهمی از سیاستگذاران مردم اروپا شده‌اند؛ نهادی که زمانی کاملاً میانه‌رو بود و اساساً پس از پاکسازی راست‌های افراطی از سیاست شکل گرفت. در آمریکای جنوبی دولت‌های چپ‌گرا یکی پس از دیگری در حال تجربه زوال هستند و مردم است روزگاری جنبش‌های حامی چندجانبه‌گرایی را رهبری می‌کردند-حالا به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و گروه‌هایی رای می‌دهند که مخالف مهاجریذری و موافق ملی‌گرایی هستند.

کرونا در این شرایط ابتدا سیستم‌های درمانی و دولت‌ها را درگیر و کمی بعد داده‌های گسترده‌تر در اجتماع و اقتصاد پیدا کرد. در بعد سیاسی این همه‌گیری به برخی دولت‌ها از جمله ترکمنستان، اتریش و بسیاری از کشورهای آفریقایی کمک کرده تا از آن به عنوان ابزاری برای سرکوب مردم و ایجاد حفرقان استفاده کنند. تحلیل بلیکل این است که به تجربه تاریخی که وجود دارد، احتمال قدرت‌گیری بیش از پیش راست‌گراهای افراطی پس از کرونا به شدت بالاست؛ مسئله‌ای که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت.

یکشنبه • ۱۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹

رویداد

سانسور آمار قربانیان کرونا در روسیه

● گوگل به خواست نهاد ناظر بر رسانه‌ها در روسیه، دسترسی به مطلب یکی از وب‌سایت‌های خبری در این کشور را که به آمار کرونا می‌پرداخت، فیلتر کرد. این نشریه به نقل از گزارش «فایننشال‌تایمز» رقم قربانیان کرونا در روسیه را حدود ۷۰ درصد بیشتر از آمار رسمی اعلام کرده بود.

تغییرات تاریخی در مجلس نمایندگان آمریکا

● مجلس نمایندگان آمریکا با طرح رای‌گیری و برگزاری جلسه‌های کمیته‌های خود از راه دور در جریان ایپدمی کرونا موافقت کرد. این تغییر باوجود موقتی بودن آن به قانون‌گذاران مجلس نمایندگان اجازه می‌دهد برای نخستین‌بار در تاریخ آمریکا به‌صورت نیابتی و بدون نیاز به حضور در صحن مجلس، رای دهند.

استعفاى دومین وزیر بهداشت برزیل در یک ماه

● «نلسون تاپیچی»، وزیر سلامت برزیل، دربی اختلاف با «ژائیر بولسونوارو»، رئیس‌جمهوری این کشور، پس از گذشت کمتر از یک ماه از تصدی این پست، از سمت خود استعفا داد. بازگشایی اقتصاد در میانه ایپدمی برزیل یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف میان وزیر بهداشت و رئیس‌جمهوری برزیل بود. تاکنون بیش از ۱۴ هزار نفر در برزیل بر اثر ابتلا به کرونا جان باخته‌اند.

اعتراف نصفه‌ونیمه چین

● چین تأیید کرد که به شماری از آزمایشگاه‌های این کشور در اوایل شیوع کرونا دستور داده بود تا نمونه‌های این ویروس را نابود کنند. یکی از مقام‌های کمیسیون سلامت ملی چین گفت: «این نمونه‌ها در آزمایشگاه‌های غیرمجاز برای جلوگیری از به‌خطرآفتادن امنیت این آزمایشگاه‌ها و وقوع فاجعه زیست‌محیطی نابود شده‌اند و انگیزه آن پنهان‌کاری نبوده است.»

نرمش دوباره ترامپ

● براساس نامه‌ای که فاکس نیوز به آن استناد کرده، رئیس‌جمهوری آمریکا قصد تأمین مالی بخشی از بودجه سازمان بهداشت جهانی را از سر بگیرد. براساس این، دولت ترامپ می‌خواهد مبلغی معادل سهم چین حدود ۳۰ میلیون دلار به سازمان بهداشت جهانی پرداخت کند. ترامپ آوریل با متهم‌کردن این سازمان به همکاری برای پنهان‌کاری‌های چین درباره ویروس کرونا، تعلق کرده بود.

خرید سوخو-۳۵ از سوی مصر

● یک مقام نظامی روسیه اعلام کرد که این کشور تولید جدیدترین نسل جنگنده‌های سوخو-۳۵ برای مصر به موجب امضای قرارداد با قاهره در سال ۲۰۱۸ را آغاز کرده است. زمان تحویل سری نخست این جنگنده‌ها به طرف مصری به دلایل مرتبط با محدودیت‌های ویژه ناشی از ایپدمی کرونا هنوز مشخص نیست.

کرونا در بزرگ‌ترین اردوگاه پناهجویان

● نخستین مورد ابتلا به کرونا در اقامتگاه پناه‌جویان روهینگیا در بنگلادش شناسایی شد. اکنون در این اقامتگاه و حوالی آن بیش از یک میلیون نفر در معرض خطر ابتلا به این ویروس کشنده هستند.

حمایت امارات از حفر

● سازمان ملل در گزارشی محرمانه که به شورای امنیت ارائه شد، از اقدام امارات در ایجاد بک کریدور هوایی محرمانه برای واردکردن سلاح به‌منظور حمایت از نیروهای خلیفه حفر، فرمانده «ارتش ملی لیبی» خبر داد و هشدار داد که این اقدام نقض قطع‌نامه منع واردات سلاح به لیبی است.

واکنش ترکیه به اروپا

● وزارت خارجه ترکیه در واکنش به بیانیه وزرای خارجه اتحادیه اروپا خواستار آن شد تا این اتحادیه به‌جای «حمایت کورکورانه» از مواضع یونان و قبرس درباره حاکمیت دریایی بر مدیترانه شرقی، مانند ترکیه «حقوق مشروع جمهوری ترک‌نشین قبرس شمالی و قوانین بین‌المللی» را به رسمیت بشمارد.

تغییرات اساسی در دولت امارات

● محمد بن‌راشد آل‌مکتوم، نخست‌وزیر امارات، در توییتی نوشت که نشست‌های دولتی را برای تهیه یک استراتژی بعد از پایان بحران کرونا به پایان رساندیم و در ساختار دولت بازنگری خواهیم کرد.



در دومین سالگرد بازداشت ۱۳ فعال زن در عربستان، سازمان عفو بین‌الملل در پیامی از ملک‌سلمان، پادشاه عربستان، خواست فورا و بدون هیچ شرطی این فعالان زن را آزاد کند.

در دومین سالگرد بازداشت ۱۳ فعال زن در عربستان، سازمان عفو بین‌الملل در پیامی از ملک‌سلمان، پادشاه عربستان، خواست فورا و بدون هیچ شرطی این فعالان زن را آزاد کند.

در دومین سالگرد بازداشت فعالان زن برجسته در حوزه حقوق بشر که اواسط می ۲۰۱۸ به‌دست مسئولان عربستان بازداشت و زندانی شدند، خطاب به پادشاه عربستان نوشت: «منم توانیید ادعای اجرائی اصلاحاتی رو به جلو داشته باشید؛ درحالی‌که فعالان زن و زنانی مدافع حقوق بشر مانند لجین الهذلول، سمر بدوی و نسیمه الساده را پشت میله‌ها نگه داشته‌اید. این فعالان زن نیروی تغییر را تشکیل می‌دهند، آنها را فورا و بدون هیچ قید و شرطی آزاد کنید.»

همچنین این سازمان آزادی فوری تمامی زندانیان عقیدتی و مدافعان حقوق بشر محبوس در عربستان را خواستار شد. این درخواست عفو بین‌الملل درپی درگذشت عبدالله الحامد، فعال حقوقی عربستانی، در زندان در تاریخ ۲۴ آوریل مطرح شد. مسئولان عربستانی، الحامد را سال ۲۰۱۷ همراه با سایر مبلغان و فعالان بازداشت کرده بودند.

در بیانیه عفو بین‌الملل به نقل از لین معلوف، مدیر پژوهش‌های خاورمیانه این سازمان، آمده است: ناراحت‌کننده است که اکنون دو سال گذشته و این زنان شجاع هنوز پشت میله‌ها هستند. تعدادی از آنها در زندان از فشار جسمی و جسمی ازجمله شکنجه، تجاوز جنسی و حبس انفرادی رنج می‌برند. زمان آن رسیده که رهبران عربستان استفاده از دستگاه قضائی به عنوان شمشیری بر کردن فعالان زن را متوقف کنند.»

مقام‌های عربستان سعودی در ۱۵ می ۲۰۱۸، تعدادی از فعالان زن برجسته در حوزه حقوق بشر را بازداشت کردند. گزارش‌های حقوقی منتشرشده